

یادداشت

عباس یوسفی، برادر شهید:

شهدای دفاع مقدس

الگوی مجاهدان مقاومت

شهدای دفاع مقدس، دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی را هم دیده بودند و به‌همین منظور نسبت به طاغوت و ظلم درک عمیقی داشتند و نمی‌توانستند در برابر هیچ ظلمی ساکت بمانند؛ از این رو، با تمام جان از انقلاب اسلامی و آرمان آن دفاع می‌کردند. زمانی که جنگ تحمیلی آغاز شد، افراد انقلابی و متعهد از همه زندگی خود گذشتند و با انتخاب سبک زندگی متفاوت و از خودگذشتگی غیرقابل‌وصف، راهی جبهه‌های مبارزه شدند و امام خمینی (ره) و منش پیامبرگونه ایشان را الگو قرار دادند. شهیدمانیز از این قاعده‌مستثنی نبود. شاید جوانان امروزی به‌این دلیل که طاغوت را درک نکرده‌اند، به‌راحتی بایده و آرمان شهدا ارتباط برقرار نکنند، اما بیان خاطرات شهدا و زندگی آنها از زبان خانواده، دوستان و هم‌زمان می‌تواند اندیشه نوجوانان و جوانان را هدایت کند و موجب روشنگری آنها شود. انقلاب اسلامی اگر برای شهدا یک ارزش قابل دفاع بود، به‌دلیل تحولات مثبتی بود که پس از پیروزی انقلاب محقق شد. شهدا به‌عنوان جوانان آن زمان دیده بودند که چطور انقلاب توانست بی‌عدالتی دوران طاغوت و وابستگی به بیگانه‌تکان را کنار بزند و به‌همین دلیل به‌هر قیمتی حاضر بودند از کبان و ارزش‌های انقلابی دفاع کنند و حتی به شهادت برسند. شهدا با جان خود برای انقلاب اسلامی سرمایه‌گذاری کردند و بیان افکار و اهداف آنها مهم است. شهدا روحیاتی داشتند که آنها را به‌سخت چنن زندگی بزرگ‌مشنانه‌ای کشانده بود. برادر من زندگی ساده‌ای داشت و به‌شدت برای طبقات پایین‌تر که خودمان هم جزئی از آن بودیم دل‌سوزی می‌کردند. یکی از خصلت‌های برادرم حساسیت فوق‌العاده‌ای بود که در مورد رعایت حقوق مردم و بیت‌المال به خرج می‌داد. این مسأله از سوی دوستان شهید بارها بیان شده است. البته که انسان‌های متدین به‌کلی روی چنین مسائلی دقت نظر دارند. شهدا اگر امروز هم زنده بودند، نمی‌توانستند در برابر ظلمی که در حق مظلومان فلسطین و مجاهدین محور مقاومت صورت می‌گیرد، ساکت بمانند؛ همان‌طور که شهید سیهید حاج قاسم سلیمانی در راه آرمان‌های اسلام و انقلاب تا سال‌های اخیر مبارزه کرد تا شهید شد. اصلا یکی از شعارهای انقلاب اسلامی، «آزادی قدس شریف بود. شهدا همان‌طور که در کتاب «پاییز آمد» و سایر زندگینامه‌ها نوشته شده، انسان‌هایی شبیه دیگران بودند، با این تفاوت که بسیار متعهد و معتقد بودند. برادر من هم عاشق خانواده‌اش بود، اما مبارزه در راه رضای خدا برای او اولویت داشت و به‌همین دلیل از علاقیش گذشت. انتخاب این سبک زندگی آسان نیست، ولی دست‌یافتنی است. ما هم همین حالا در زندگی دیدگاه برادرم و سایر شهدا را به‌عنوان الگو در نظر داریم و به فرزندان‌مان تاکید می‌کنیم که شجاعت و پامیردی و تعهدی که شهید احمد یوسفی داشت را سرلوحه زندگی خود قرار دهند. برادرم همیشه برای برنام‌ه‌های انقلابی پیش‌قدم بود و من هم سعی می‌کنم به‌عنوان برادر شهید چنین روحیه‌ای را در خودم زنده نگه دارم.

قاب



فخرالسادات موسوی، نرغال از راست در پادگان آموزشی سپاه، فروردین سال ۱۳۶۱، زمانی که افسر میدان تیر بود

خبر

دومین جشنواره

کتاب کودک و نوجوان

بین‌المللی برگزار می‌شود

مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران گفت؛ دومین دوره جایزه کتاب کودک و نوجوان به‌صورت بین‌المللی برگزار می‌شود. علی‌رضانی که در نشست هم‌اندیشی نویسندگان و شاعران ادبیات کودک درخصوص جشنواره ملی و بین‌المللی کتاب کودک و نوجوان و جلسه ارائه گزارش ۳۱ سال انتشار کتاب‌های کودک و نوجوان در ایران سخن می‌گفت، افزود؛ برگزاری دوره نخست جشنواره در میان فعالان حوزه ادبیات کودک و نوجوان

از جمله‌ناشران و هنرمندان به‌خوبی دیده‌شد؛ هرچند جادارد که این جشنواره به هدف اصلی خود که تأثیرگذاری بر جریان تولید محتوا و مصرف محتواست، برسد. حامد محقق، معاون شعر و ادبیات داستانی خانه کتاب و ادبیات ایران نیز در ادامه این مراسم گفت؛ بنای جشنواره ملی و بین‌المللی کتاب کودک و نوجوان بر این است که به‌ترتیب یک‌سال به‌صورت ملی و یک سال به‌صورت ملی و بین‌المللی برگزار شود و امید داریم که

گلستان جعفریان، نویسنده:

مخاطب دوست دارد بی‌پرده از حقیقت زندگی شهید بشنود

روایت سریخ و صادقانه گلستان جعفریان نویسنده کتاب «پاییز آمد» این اثر را از سایر زندگینامه‌های شهدا

تمتایز کرده است؛ روایتی جسور، بی‌تکلف و عاشقانه‌ای خواندنی که در سطح نمانده و خودش را از کلیشه‌گویی‌های مطرح در مورد زندگی شهدا، نجات داده است. روایت جعفریان از زندگی فخرالسادات موسوی همسر شهید احمد یوسفی، در واقع روایت واقعی از زندگی پرفراز و نشیب زنی مسلمان است که نه تنها منفعل نیست بلکه در کنار مرد رزمنده خود مبارزه می‌کند و پای آرمان‌های انقلاب و اسلام می‌ایستد. سادات خانم این روایت در خانه محبوس نیست، آزاد است و متعهد و در عین حال نجیب و تمامی این جزئیات با قلم توانمند نویسنده به زیبایی توصیف شده است. جعفریان پیشتر نیز با نگارش روایت شهدای دفاع مقدس در کتاب‌های «روزهای بی‌آینه»، «خانه‌ام همین جاست»، «از چنده لاتا جنگ»، «همه سیزده سالگی‌ام» و... توانمندی خود را ثابت کرده بود و حالا تقریظ رهبر معظم انقلاب بر کتاب پاییز آمد بار دیگر نشان داد که با نویسنده‌ای کاملا در خدمت ادبیات پایداری و خلاق مواجه هستیم. جعفریان در گفت‌وگو با جام جم درخصوص این تجربه موفق بیشتر توضیح داده است.

زمانی که تصمیم گرفتید زندگی شهید سردار احمد یوسفی را روایت کنید، آیا به دنبال ارائه سبک زندگی و الگویی از زندگی این شهید بودید یا می‌خواستید تصویر تازه‌ای از شهدا عرضه کنید؟

خیلی مهم است که نویسنده از کارش احساس رضایتمندی داشته باشد و جای‌سوالی حداقل برای خودش باقی نماند و به نکاتی که برای او در زندگی مسأله‌ای فکری و مهم بوده پاسخ داده است. برای من کتاب پاییز آمد چنین کتابی بود یعنی فکر نمی‌کنم خواننده‌ای این کتاب را بخواند و احساس کند که ما چیزی را از او پنهان کرده‌ایم یا مفهومی را به او تحمیل کرده‌ایم. در این کتاب یک زندگی بسیار ساده و مشخص را روایت کرده‌ایم. فخرالسادات موسوی، همسر شهید سردار احمد یوسفی در زندگی خود انتخابی داشته که در عین ساده و مشخص بودن، پیچیدگی‌های خاص خودش را داشته است. خانواده فخرالسادات با انتخاب این دختر جوان برای ازدواج ابتدا مخالف هستند اما او با شجاعت بر انتخابش پافشاری می‌کند و یک زندگی عاشقانه تمام عیار را تجربه می‌کند. از این نظر حس می‌کنم در کتاب پاییز آمد کارم را تمام و کمال انجام داده‌ام و تجربه ۲۰ ساله‌ام در نویسندگی را به کار گرفته‌ام.

فکر می‌کنید کتاب‌های زندگی نامه شهدای دفاع مقدس یا حتی شهدای مدافع حرم این ظرفیت را دارد که به ارائه سبک زندگی یا الگویی برای نسل جدید بپردازند؟

من دربار‌ه دیگر کتاب‌های حوزه ادبیات پایداری اظهار نظری نمی‌کنم اما در تمام این سال‌ها و نویسندگی در زمینه ادبیات پایداری، نگاهم این‌ن بوده که الگویی ارائه کنم بلکه بیشتر تلاش کردم واقعیت زندگی شهدا را روایت کنم. به‌نظرم در این نوع روایت‌ها، نگاه سلیقه‌ای، تبلیغی یا بریده و از پیش تعیین شده برای زندگینامه شهدا کارآمد نیست. آن چیزی که در ثبت خاطرات و زندگی شهدا-برای من همیشه جالب بوده

ثبت واقعیت‌هاست و خیلی شخصی است. اصولا خودم موضوعاتم را انتخاب می‌کنم، خودم دنبال قصه‌هایی می‌روم و سفارش نمی‌پذیرم. حتما باید شهیدی که برای روایت زندگینامه سراغش می‌روم ویژگی‌هایی داشته باشد که به‌عنوان نویسنده برایم جذابیت داشته باشد و واقع شهید هم مرا برای نوشتن قصه زندگی و تجربیاتش انتخاب کرده باشد. در خصوص کتاب پاییز آمد نیز همین شرایط به وجود آمد. فخرالسادات موسوی کتاب قبلی‌من به نام «روزهای بی‌آینه» را خوانده بود و به شدت شهید حسین لشکری و همسرش منیره لشکری را دوست داشت و حتی گفت از حوزه هنری رنجان خواسته که این نویسنده یعنی من، زندگینامه خودش و همسر شهیدش را بنویسم. در واقع از قبل بین من و موضوع ارتباطی برقرار شده بود. شاید سایر نویسندگان به طریق دیگری کار کنند برای همین می‌گویم در خصوص الگو دادن و بقیه کتاب‌های زندگینامه شهدا نمی‌توانم اظهار نظر کنم.

از آنجا که شیوه مستندنگاری و روایت

کتاب پاییز آمد نسبت به بسیاری از آثار زندگینامه شهدا به‌خصوص در توصیف عشق عمیق بین شهید و همسرش بی‌تکلف‌تر و صریح‌تر است، به نظر می‌رسد به‌عنوان نویسنده توانسته‌اید مخاطبانی گسترده را جذب کتاب کنید. آیا هنگام نوشتن همچین

برش

تقریظ رهبری و مسئولیت نویسنده

برخی نویسندگان معتقدند پس از تقریظ‌هایی که رهبر معظم انقلاب اسلامی برای برخی کتاب‌های نویسنده، به‌نوعی مسئولیت نویسنده‌ها سنگین‌تر می‌شود. این موضوع برای شما

چه جایگاهی دارد و آیا تصور می‌کردید که پاییز آمد مورد توجه رهبری قرار بگیرد؟

واقعا عجیب نبود که پاییز آمد این طور مورد توجه واقع شود؛ چرا که هم سبک زندگی دینی و ارزش در روایت فخرالسادات موسوی پررنگ است، هم خانواده‌ای که در این روایت با آن مواجه هستیم، خانواده دوست‌داشتنی و ارزشمندی هستند. با این‌که شاید عمر در کنار هم بودن این خانواده پنج سال بیشتر نیست، اما به هر ترتیب مفهوم خانواده واقعی در آن به‌خوبی تعریف شده است. برخی از کسانی که تفکراتی آتشین دارند که اتفاقا من آنها را واقعا دوست دارم، به کتاب‌های من می‌تازند و نسبت به برخی موضوعاتی که در آثارم بر آن تأکید می‌کنم، خرده می‌گیرند و احساس می‌کنند ما الگو ارائه نمی‌دهیم و حتی آثاری را وارد ادبیات پایداری کرده‌ایم که تفکرات ضار ارزش‌های ادبیات پایداری را ترویج می‌کند. حالا با تقریظ مقام معظم رهبری برای کتاب پاییز آمد، احساس می‌کنم کارم را درست انجام داده‌ام و واقعا خوشحالم که ایشان من را درک کرده‌اند و شاید ثابت شده که قلم من تمام و کمال در خدمت ادبیات پایداری است. ادبیات پایداری از نگاه من بسیار غنی است و دفاعی که از آن می‌نویسم را دفاعی مقدس می‌دانم. به همین دلیل تقریظ رهبر معظم انقلاب اسلامی از این نظر ارزش بسیار بالایی برایم دارد.

برش

حجت‌الاسلام سیدعلیرضا تکیه‌ای

هم‌رزم شهید:

چهره خندان زیر فشار مصائب

خداوند تبارک و تعالی بین تمام موجودات عالم، انسان را مختار آفریده است؛ قوه اختیار خدا داده در انسان هم نفسی است هم مالی، آیات قرآن نیز در این رابطه مکرر است. انسان آن‌گاه که می‌خواهد در راه رضای خدا انتخاب کند، ابتدا باید از جانش گذر کند و این‌که گفته شده مقام شهید مقام اول است، شهید نمی‌میرد بلکه زنده است و نزد ذات اقدس الهی ارتزاق می‌کند، این‌که شهید نظر می‌کند به وجه... همگی به انتخاب متعالی شهید برمی‌گردد که برای رضای خدا جانش را در کف می‌گذارد و تقدیم راه دوست می‌کند. درخصوص شهدا کمتر می‌توانیم حق‌شان را ادا کنیم و کسی می‌تواند این مقام را درک کند که به قول شهید حاج‌قاسم سلیمانی خودش شهید باشد. خوشبختانه



متن کامل



در سال آینده بتوانیم دوره دوم جشنواره را به‌خوبی در سطح بین‌المللی برگزار کنیم، اصالت و نوآوری، کیفیت ادبیات و زبان، توجه به ارزش‌ها و اصول انسانی، فرهنگی و اخلاقی، تناسب با گروه سنی مخاطب، تصویرگری مناسب، اعتبار ناشر و نویسنده، ارسال در زمان بندی اعلام شده و... از جمله موضوعات مورد توجه برای بررسی آثار در جشنواره‌های کتاب کودک و نوجوان در کشورهای مختلف است.



# شهیدی فر

کتاب «پاییز آمد» زندگی شهید احمد یوسفی

از سبک زندگی ایرانی

نزدیک به چهار دهه از شهادت سردار احمد یوسفی گذشته است؛ شهیدی که هم‌زمانش او را مبارزی پاکبخته و شجاع در جبهه‌های نبرد توصیف می‌کنند و همسرش از او به‌عنوان مردی خانواده‌دوست، عاشق پیشه و روشنفکر و متعهد یاد می‌کند. با خواندن زندگینامه این شهید دوران دفاع مقدس درمی‌یابیم که او حقیقتا تمام توانش را در راه تبلیغ اسلام و حفاظت از آرمان‌های انقلاب اسلامی به میدان آورده بود. شهید یوسفی،

مظهر جمله ماندگار

شهید حاج قاسم

سلیمانی است که

گفته بود: شرط

شهید شدن،

شهید بودن

است. تمامی



فاطمه رستمی گروه فرهنگ و هنر



نگاه

محمدمسعود اسماعیلی، دوست و هم‌رزم شهید:

امتحان انگیزه در مکتب شهید

آشنایی من با شهیداحمد یوسفی به قبل از دوران دفاع مقدس برمی‌گردد؛ در جریان حوادثی که پیش از جنگ تحمیلی در کردستان رخ می‌داد و کومله و حزب دموکرات کردستان تا مرز زنجان، آذربایجان غربی و کرمانشاه نفوذ کردند، شرایطی پیش آمد که تصمیم گرفتم پس از پیام حضرت امام (ره) به دفاع بپردازم. آن زمان من در یک خیابانی در تهران مشغول به کار بودم و امام خمینی (ره) پیامی مبنی بر آزادی شهرهای کشور از تصرف مزدوران خارجی و کومله صادر کردند. با شنیدن این پیام به زنجان رفتم و به سپاه مراجعه کردم. دبیرستان دخترانه‌ای محل استقرار سپاه شده بود و من هم مانند دیگران وارد جمع شدم تا ببینم چه کاری از دستم برمی‌آید. در آن جمع همه لباس رزم و سپاهی به‌تن داشتند و من باکت وشلوار بودم! شهید یوسفی در دوران پهلوی سربازی رفته بود و ما که سربازی نرفته بودیم از مسائل نظامی سردر نمی‌آوردیم. شهید یوسفی و نیروهایش افراد را تقسیم کردند و در آن بین فقط من باقی مانده بودم که باکت وشلوار وسط حیاط مدرسه نشسته بودم. به شهید یوسفی که هنوز آن زمان حتی نامش را هم نمی‌دانستم، گفتم که برادر من باید چه کار کنم؟ شهید که نگاه پرچذب‌ه نظامی داشت، به‌من گفت برو طبقه دوم و سرویس‌های بهداشتی را نظافت کن. من بدون هیچ حرف اضافه‌ای گفتم چشم و مشغول کار شدم. شهید وقتی به طبقه دوم آمد، دیدم من با آن تیپ خیاطی خودم دستشویی‌ها را نظافت می‌کنم. با نگاه گرمی به من گفت همراه من